



همه نکات را مدنظر قرار می‌دهم

طی چند روز اخیر مجلس شورای اسلامی میزبان وزرای پیشنهادی مسعود پزشکیان بود. در این بین روز گذشته نمایندگان موافق و مخالف وزرای دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و وزیر دادگستری به ایراد نظرات و دلایل خود پرداختند. در این جلسه ابتدا علی آذری، سخنگوی کمیسیون حقوقی و قضایی گزارش این کمیسیون را در خصوص امین حسین رحیمی، وزیر پیشنهادی دادگستری قرائت و از موافقت اعضای آن با این وزیر پیشنهادی خبر داد. پس از آن حسینعلی حاجی‌دلیگانی، نماینده شاهین‌شهر، فرهاد شهرکی، نماینده مردم زابل، زهک و هیرمند و سلمان اسحاقی، نماینده قانات وزیرکوه، در مخالفت با وزیر پیشنهادی دادگستری به ایراد سخنرانی پرداختند و محمدتقی نقدعلی، نماینده خمینی‌شهر، فتح‌الله توسلی، نماینده بهار و کیبودآهنگ و محمدرضا صباغیان، نماینده مردم مهریز و بافق در موافقت با وزیر پیشنهادی دادگستری به بیان دلایل خود پرداختند. پس از آن محمدامین رحیمی در دفاع از خود به تشریح برنامه‌ها و سوابق خود پرداخت و در بخشی از سخنان خود گفت: «تمام موارد و نکاتی که توسط مخالفان، موافقان و نمایندگان در کمیسیون مطرح شد، مدنظر قرار می‌دهم، بی‌تردید در رسیدگی به تمام مسائل همه نکات را مدنظر قرار می‌دهم. اجرای عدالت آرمان همگی ما است که در قانون اساسی متبلور شده است. تعامل و همکاری بین سه قوه را از اولویت‌های خود می‌دانم.»



در زمان صلح سلاح باید ساخت

رسیدگی به برنامه عزیز نصیرزاده، وزیر پیشنهادی دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در دستور کار مجلس قرار گرفت. ابراهیم رضایی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست در ابتدا به قرائت متن گزارش این کمیسیون و صلاحیت عزیز نصیرزاده، وزیر پیشنهادی دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح پرداخت و اعلام کرد: «ایشان با اکثریت قاطع آرا واجد شرایط تصدی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح است.» پس از آن، زهر سعیدی‌مبارک، سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس به قرائت متن گزارش این کمیسیون و صلاحیت عزیز نصیرزاده وزیر پیشنهادی دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح پرداخت و درباره نظر نهایی این کمیسیون تصریح کرد: «در خصوص صلاحیت ایشان برای تصدی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، رای گیری به عمل آمد که در نتیجه، صلاحیت ایشان برای تصدی وزارتخانه مذکور، با اکثریت آراء به تأیید کمیسیون صنایع و معادن رسید.» در ادامه، علی بابایی کارنامی، نماینده مردم ساری و میاندو رود، یاسر سلیمانی، نماینده بافت و راور، سعیدجلیل میرمحمدی‌مبیدی، نماینده تفت و میبد و مهدی طغیانسی، نماینده اسفهان در مخالفت با برنامه وزیر پیشنهادی دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به ایراد سخنرانی پرداختند و ابراهیم نجفی اسپیلی، نماینده مردم آستانه اشرفیه، فرهاد طهماسبی، نماینده استهبان، نریز و بختگان و سلمان زارع، نماینده مردم لاهیجان و سیاهکل و رحیم زارع در موافقت با برنامه وزیر پیشنهادی دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به بیان دلایل خود پرداختند. در انتهای این بخش از جلسه، عزیز نصیرزاده در دفاع از برنامه‌های پیشنهادی خود برای وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح پشت تریبون رفت. او در بخشی از سخنانش اش گفت: «حال این سرباز کمتربین به شما نمایندگان اطمینان می‌دهم که هر تصمیم شما اتخاذ کنید درست و حتماً نفع ملی در آن مستتر است بنابراین اگر صلاح دانستید در سنگر وزارت دفاع به وظیفه خود ادامه می‌دهم و اگر صلاح ندانید در سنگر دیگر تا شهادت ادامه می‌دهم.» وی در پایان افزود: «همچنین در بخش دفاعی و امنیتی با دشمن مدارا نمی‌کنیم و به شما قول می‌دهم همان‌طور که شما دستور دادید عمل می‌کنیم. شعار صنایع دفاع «در زمان صلح سلاح باید ساخت و وگرنه سیل چو بگرفت، سد نشاید بست.»

سیاسی، مدنی و دانشگاهی، نظیر کیوان صمیمی، علیرضا رجایی و موسی غنی‌نژاد بود که اگر چه اثر میلیونی ندارند، اما بر پیرامون خودشان اثرگذارند و بر چندین هزار تا چند صد هزار نفر در محیط پیرامون خود اثر می‌گذارند. بسیاری از این افراد، با واسطه یا بی‌واسطه به نیروهای پیشروی اصلاحات مرتبط هستند و طبیعتاً اگر اصلاح‌طلبان در انتخابات نبودند، آن‌ها نیز به طریق اولی در انتخابات شرکت نمی‌کردند و این رشد ۱۰ تا ۱۵ درصدی در انتخابات رقم نمی‌خورد.

در تحلیل نتایج انتخابات، نقش این ۱۰ تا ۱۵ درصد و نسبت‌شان با جریان اصلاحات را باید مدنظر قرار داد. این جریان صدای بلندی در جامعه دارند و می‌تواند بر فضای عمومی اثر بگذارد؛ آنچنان‌که در دور دوم انتخابات اثر گذاشت. لذا حضور آن‌ها را در امتداد حضور اصلاح‌طلبان و در رأس آن سیدمحمد خاتمی باید تحلیل کرد.

شخصیت توانا، جذاب و دوست‌داشتنی پزشکیان

آنچه تاکنون ذکر شد، در خصوص نقش مؤثر اصلاح‌طلبان در پیروزی مسعود پزشکیان در انتخابات بود؛ اما در این میان نباید از نقش خود پزشکیان غافل شد. او فردی است با باورها و تفکر اصلاح‌طلبی که صادقانه و شجاعانه با مردم حرف می‌زند و سخنش به دل می‌نشیند. حمایت جبهه اصلاحات از او، بیانگر متشی اصلاح‌طلبی اوست. اما ویژگی‌های شخصیتی او نیز به‌نحوی که به پیروزی او در انتخابات کمک کرد. او خاکی و مردمی است و همه‌فهم سخن می‌گوید؛ زمانی که سخن می‌گوید صداقت، که این روزها در میان بسیاری از سیاسیون کمتر دیده می‌شود، در کلامش موج می‌زند. مجموع ویژگی‌های او بی‌تردید بر پیروزی‌اش مؤثر بود. اگر اصلاح‌طلبان از کسی حمایت می‌کردند که فاقد این ویژگی‌ها بود، احتمال توفیق‌شان خیلی کم می‌شد.

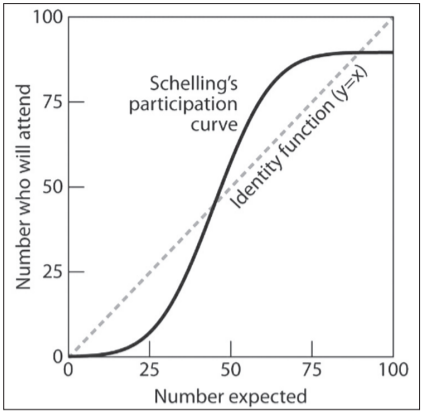
بنابراین در کنار نقش مؤثر اصلاح‌طلبان، نباید نگرش‌ها، ویژگی‌ها و توانمندی‌های پزشکیان را در این مسیر نادیده گرفت؛ همین ویژگی‌های او باعث شد تا به‌مرور و در طول مناظرات که برای عموم مردم بیشتر شناخته می‌شد، مقبولیت و پذیرش بیشتری پیدا کند. حمایت اصلاح‌طلبان از او، باعث جیش جایگاه او در افکار عمومی شد و زمینه پیروزی او را فراهم ساخت، اما این خود پزشکیان با تمام ویژگی‌هایش بود که برنده انتخابات شد و توانست مورد پذیرش مردم قرار گیرد. ریاست‌جمهوری مسعود پزشکیان یک فرصت بزرگ برای ایران و همه گروه‌های سیاسی است؛ او به دلیل تأکید بر وفای ملی می‌تواند مسیری جدید پیش روی همگان باز کند و همین ایده وفای، در جلب آرای گروه‌های مختلف نیز مؤثر بود.

جمع‌بندی

وقتی راجع به تأثیر عوامل مختلف بر پیروزی مسعود پزشکیان در انتخابات سخن گفته می‌شود، نمی‌توان به‌طور قطع گفت کدام عامل، تأثیر بیشتری داشته است. از آنجایی که امکان مطالعه این پدیده سیاسی در یک فضای آزمایشگاهی نیست، نمی‌توان وزن تکتک این عوامل را سنجید. به‌همین خاطر اتکا به داده‌های کمی، آن هم محدود به نظرسنجی‌های انتخاباتی، نمی‌تواند به‌تنهایی نقش عوامل مختلف را توضیح دهد و اتخاذ رویکرد تلفیقی در این میان ضرورت دارد.

اما بر اساس مرور وقایع گذشته به‌نظر می‌رسد که «مشارکت سیاسی» در انتخابات اخیر، بیش از انتخابات مجلس و انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۴۰۰ بود؛ امری که در نهایت منجر به پیروزی پزشکیان در انتخابات شد. در کنار ویژگی‌ها و توانایی‌های شخصی پزشکیان، چند عامل مختلف، از جمله حمایت اصلاح‌طلبان در کنار حمایت محمدجواد ظریف بر پیروزی او اثر داشته است و نظریات مختلف سیاسی این اثر را توضیح می‌دهد. نادیده گرفتن این عوامل، چه برای آن وزن زیادی قائل باشیم و چه وزن کمی قائل باشیم، باعث انحراف از واقعیت می‌شود و در تعیین راهبردهای آتی همگان را دچار خطا می‌کند. یکی از این خطاها، بی‌تفاوتی به بدنه حامیان است. اصلاح‌طلبان و پزشکیان، هر دو به یکدیگر نیاز مبرم دارند و هر تحلیلی که در پی شکاف بین این دو با الهام بی‌نیازی آنها به یکدیگر باشد، اقدامی خلاف ششی گفت‌مانی دولت، منافع ملی و منافع دولت و اصلاحات خواهد بود.

گروه یا فرد خاصی. اکنون باید دید این‌کابینه تا چه اندازه موفق به جلب اعتماد مجلس خواهد شد و آیا این اجماع نظر، که در چیدمان وزرا دیده می‌شود، می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های مؤثر و هماهنگ بیانجامد یا اینکه در فرآیندهای درونی کابینه اختلال ایجاد خواهد کرد؛ مسیری که این دولت در پیش گرفته، اگر چه از نگاه برخی می‌تواند سنگلاخ‌هایی در مسیر تغییرات ایجاد کند، اما از سوی دیگر، تعادلی که پزشکیان سعی در برقراری آن دارد، می‌تواند به منزله‌ی پلی برای عبور از بحران‌ها و تداوم انسجام ملی باشد. همان‌گونه که رئیس‌جمهور نیز اشاره کرده است، باید با صبر و حوصله به تماشای عملکرد این کابینه نشست و دید که آیا این تلاش‌ها در نهایت به تحولی پایدار و هماهنگ در ساختار اجرایی کشور منجر خواهد شد یا خیر. به هر روی، اکنون برای داوری نهایی در مورد توانایی‌های این کابینه و سرنوشت آن بسیار زود است و بهتر است به مرور زمان اجازه دهیم که نتایج تلاش‌های این دولت آشکار شود. شاید پاسخ بسیاری از پرسش‌ها را بتوان تنها در سایه‌ی زمان و تجربه یافت.



نمودار شلینگ در رابطه با میزان مشارکت

انتخابات و ماریچ سکوتی که حول آن شکل گرفته بود، شکسته شود و بسیاری از کنشگران مدنی و سیاسی، جرأت و جسارت کنش انتخاباتی پیدا کنند. این حمایت باعث شد تا بسیاری از چهره‌های خاموشی که در سطح ملی و محلی اثرگذار بودند، به میدان بیایند. حمایت چهره‌هایی نظیر کیوان صمیمی و علیرضا رجایی در دور دوم از پزشکیان، بدون شکسته شدن این فضا و حمایت جبهه اصلاحات از مسعود پزشکیان، ممکن نبود؛ در مورد تأثیر این نوع حمایت‌ها در دور دوم نیز در ادامه توضیح خواهیم داد.

اعداد راجع به نقش اصلاح‌طلبان در انتخابات چه می‌گویند؟

اما در کنار نظریات کنش جمعی، اعداد نظرسنجی‌ها نیز نقش اصلاح‌طلبان در انتخابات را آشکار می‌کنند. بر اساس نظرسنجی ایسپا یک روز پیش از اعلام صلاحیت‌ها، فقط ۲۷ درصد از کسانی که قصد شرکت در انتخابات داشتند به مسعود پزشکیان رأی می‌دادند و مجموع آرای نامزدهای میانه‌رو و اصلاح‌طلب ۶/۵ درصد بود.

با اعلام نتایج تأییدصلاحیت‌ها و در نظرسنجی‌ای که سه روز پس از آن توسط ایسپا انجام شد، محبوبیت پزشکیان از ۲۷ درصد به ۱۳/۷ درصد رسیده بود! اما در این فاصله ۳ روزه چه اتفاقی افتاد که رأی پزشکیان ۱۱ درصد افزایش پیدا کرد؟

اتفاق اول آن بود که مسعود پزشکیان تنها نامزد تأییدصلاحیت شده بود؛ در نتیجه کسانی که قصد داشتند در انتخابات به چهره‌هایی نظیر جهانگیری، لاریجانی یا همتی رأی دهند حالا تصمیم گرفته بودند به او رأی دهند؛ امری که احتمالاً منجر به رشد محبوبیت او از ۲۷ درصد به ۶/۵ درصد شده بود. اما این فاصله تا ۱۳/۷ درصد چگونه پر شد؟

تنها اتفاق دیگری که در این مقطع سه روزه رخ داده بود، حمایت جبهه اصلاحات و سیدمحمد خاتمی از مسعود پزشکیان در این مقطع زمانی بود. البته این جبهه پیش از اعلام تأییدصلاحیت‌ها، پیشاپیش اعلام کرده بود که در صورت حضور مسعود پزشکیان در انتخابات، از او حمایت خواهد کرد. رسمی و علنی شدن حمایت اصلاح‌طلبان و سیدمحمد خاتمی از مسعود پزشکیان و شکل‌گیری ستادهای حمایتی آن‌ها در سراسر کشور، اتفاق دومی بود که منجر به افزایش آرا و محبوبیت پزشکیان در نظرسنجی‌ها شد و بدین ترتیب، آرای پزشکیان در عرض فقط ۳ روز، از ۲۷ درصد به ۱۳/۷ درصد رسید. نقطه‌شروعی که به جهش پزشکیان در ادامه رقابت‌های انتخاباتی کمک شایانی کرد.

نقش ۱۰ تا ۱۵ درصدی که در دور دوم انتخابات شرکت کردند را نادیده نگیریم

آنچه تأثیر قطعی و نهایی بر پیروزی مسعود پزشکیان گذاشت، مشارکت ۱۰ تا ۱۵ درصدی مردمی است که در دور اول در انتخابات شرکت نکرده بودند اما در دور دوم در انتخابات شرکت کردند و عمدتاً به پزشکیان رأی دادند؛ بخش قابل توجهی از این رأی‌دهندگان، در دور اول نه پزشکیان را انتخاب کردند و نه دعوت اصلاح‌طلبان برای شرکت در انتخابات را پذیرفتند. بنابراین رأی آن‌ها در انتخابات متأثر از دو عامل بود: اولین دلیل که مهم‌ترین آن است نه به رقیب پزشکیان یعنی سعید جلیلی بود. آن‌ها در انتخابات شرکت کردند تا مانع از رأی‌آوری او شوند. اما عامل دوم کنشگری بسیاری از فعالان



در کنار ویژگی‌ها و توانایی‌های شخصی پزشکیان، چند عامل مختلف، از جمله حمایت اصلاح‌طلبان در کنار حمایت محمدجواد ظریف بر پیروزی او اثر داشته است

و نظریات مختلف سیاسی این اثر را توضیح می‌دهد.

نادیده گرفتن این عوامل، چه برای آن وزن زیادی قائل باشیم و چه وزن کمی قائل باشیم، باعث انحراف از واقعیت می‌شود

بنابراین، حمایت زود هنگام جبهه اصلاحات و سیدمحمد خاتمی از مسعود پزشکیان یک «وضعیت سیاسی» ایجاد کرد که منجر به ۳ اتفاق مهم شد: اول پر شدن آستانه افراد؛ دوم افزایش انتظارات نسبت به مشارکت بالای مردم؛ و سوم نمایش سازمان‌یافتگی؛ امری که بر اساس نظریات شلینگ، تیلی و گرانووتر، منجر به کنش جمعی و افزایش مشارکت انتخاباتی شد.

تشکیل ستادهای حمایت از پزشکیان توسط جبهه اصلاحات در سراسر کشور پیامدهای دیگری هم داشت؛ در شرایطی که بسیاری از مردم تمایلی برای شرکت در انتخابات نداشتند و کنش‌هایی نظیر بیانیه روزنه‌گشایی در انتخابات مجلس نیز نتوانسته بود این فضا را بشکند، حضور فعالانه سازمان اصلاح‌طلبان در سراسر کشور، باعث شد تا اتمسفر سیاسی در کشور تغییر کند، فضای تحریم

نظریه کنش جمعی چگونه نقش اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۳ را توضیح می‌دهد؟

مشارکت مردم در انتخابات، نوعی کنش جمعی است؛ بنابراین برای فهم بهتر این مشارکت باید به نظریات کنش جمعی مراجعه کرد. براساس این نظریه که ریشه در نظریه انتخاب عقلایی دارد، کنشگران سیاسی موجودات محاسبه‌گر و عقلانی‌اند که به دنبال کاهش هزینه‌ها و افزایش منافع‌اند. به بیان دیگر، افراد هنگامی دست به کنش و مشارکت سیاسی می‌زنند که نتایج محاسبات آنها از هزینه‌ها و فایده‌های مشارکت سیاسی، در نهایت، به نفع آنها باشد و یا هزینه کمتری در بر داشته باشد.

اما چه زمانی افراد احساس می‌کنند که مشارکت سیاسی آن‌ها منفعاتی در پی دارد؟ یکی از این عوامل که شلینگ، نوبلیست اقتصاد، به آن پرداخته، تصور از میزان مشارکت دیگران است؛ او می‌گوید انتظاری که مردم از میزان مشارکت دیگران دارند، بر مشارکت خودشان نیز اثر می‌گذارد؛ در انتخابات، زمانی که شما تصور کنید که دیگران نیز به هزینه مدنظر شما رأی خواهند داد، احتمالاً انگیزه بیشتری برای مشارکت پیدا خواهید کرد. شلینگ محاسبات خود را مبنی بر میزان مشارکت در قالب نمودار نشان داده است؛ که بر اساس آن، هر چه قدر انتظار از میزان مشارکت بیشتر باشد، تعداد افرادی که در نهایت مشارکت می‌کنند بیشتر خواهد بود.

مزارک گرانووتر جامعه‌شناس نیز معتقد است هر فرد آستانه‌ای برای مشارکت در یک عمل جمعی دارد. یعنی برای آنکه به یک کنش جمعی (مثلاً شرکت در انتخابات) بپیوندد، باید حداقلی از افراد به آن پیوسته باشند.

چارلز تیلی نیز، مبتنی بر نظریه کنش جمعی، معتقد است که هر چه میزان «سیج» و «سازمان‌یافتگی» افزایش یابد، احتمال کنش جمعی بیشتر می‌شود چرا که قدرتی که پشت آن کنش جمعی است افزایش یافته، منابعی که هزینه می‌کند کمتر شده و در نهایت منفعاتی که به‌دست می‌آید بیشتر می‌شود.

بر اساس این نظریات، به‌خوبی می‌توان نقش اصلاح‌طلبان در افزایش مشارکت و پیروزی پزشکیان را توضیح داد. مجموعه اصلاح‌طلبان، و در رأس آن سیدمحمد خاتمی، با حمایت زود هنگام از مسعود پزشکیان و تشکیل ستادهای انتخاباتی برای او در سراسر کشور، پیامی به همگان ارسال کردند که با سازماندهی اصلاح‌طلبان، پزشکیان شانس پیروزی دارد.

آن‌ها به دلیل سازمان و تشکیلاتی که در سرتاسر کشور دارند، در مدت‌زمان کوتاهی توانستند به شکل‌گیری ستادهای پزشکیان در سرتاسر کشور کمک کنند؛ همان‌گونه که چارلز تیلی توضیح داده است، این نمایش سازمان‌یافتگی منجر به افزایش احتمال کنش جمعی، یعنی مشارکت در انتخابات، در میان مردم شد.

علاوه بر این، حضور فعال اصلاح‌طلبان در انتخابات، در کنار حمایت چهره‌هایی نظیر محمدجواد ظریف، از همان روزهای اول، باعث شد آستانه بسیاری از افراد برای میزان مشارکت پر شود و این انتظار در بسیاری از افراد ایجاد شد که مردم در انتخابات مشارکت خواهند کرد؛ آنچنان که تا قبل از مرحله اول برخی تصور می‌کردند مشارکت بیش از ۵۰ درصد خواهد شد. این تصور، که براساس نظریات کنش جمعی، خود محرک شرکت در انتخابات بود، ریشه در حضور فعالانه و زود هنگام اصلاح‌طلبان در انتخابات داشت.

بنابراین، حمایت زود هنگام جبهه اصلاحات و سیدمحمد خاتمی از مسعود پزشکیان یک «وضعیت سیاسی» ایجاد کرد که منجر به ۳ اتفاق مهم شد: اول پر شدن آستانه افراد؛ دوم افزایش انتظارات نسبت به مشارکت بالای مردم؛ و سوم نمایش سازمان‌یافتگی؛ امری که بر اساس نظریات شلینگ، تیلی و گرانووتر، منجر به کنش جمعی و افزایش مشارکت انتخاباتی شد.

تشکیل ستادهای حمایت از پزشکیان توسط جبهه اصلاحات در سرتاسر کشور پیامدهای دیگری هم داشت؛ در شرایطی که بسیاری از مردم تمایلی برای شرکت در انتخابات نداشتند و کنش‌هایی نظیر بیانیه روزنه‌گشایی در انتخابات مجلس نیز نتوانسته بود این فضا را بشکند، حضور فعالانه سازمان اصلاح‌طلبان در سرتاسر کشور، باعث شد تا اتمسفر سیاسی در کشور تغییر کند، فضای تحریم

داخلی و تعاملات بین‌المللی را نیز آشکار می‌سازد. بنابراین، بررسی دقیق این انتخاب‌ها برای فهم بهتر آینده کشور ضروری است. انتخاب عباس عراقچی به‌عنوان وزیر امور خارجه، نمادی روشن از عزم دولت برای بازگشت به مسیر دیپلماسی و گفت‌وگو است. عراقچی، که در دوران حسن روحانی نقش مهمی در مذاکرات برجام ایفا کرده بود، حالا با تجربیاتی که از گذشته دارد، می‌تواند بار دیگر کشور را به مسیر تعامل سازنده با جهان هدایت کند. این انتخاب، امیدواری تازه‌ای برای حل مسائل بین‌المللی و کاهش تنش‌ها در عرصه جهانی به ارمان می‌آورد. در عرصه اقتصاد، انتخاب عبدالناصر همتی به‌عنوان وزیر اقتصاد، نشانی از اعتماد عمیق پزشکیان به توانایی‌های او و مدیریت بحران‌های اقتصادی است. هر چند همتی در دوران ریاست بر بانک مرکزی با چالش‌های فراوانی روبه‌رو بود، اما اکنون می‌تواند با بهره‌گیری از تجربیات گذشته، رویکردهای نوینی برای مقابله با مشکلات اقتصادی کشور پیش بگیرد. این انتخاب، می‌تواند نویدبخش تحولات مثبتی در عرصه اقتصادی باشد. شاید انتخاب

اسکندر مومنی به‌عنوان وزیر کشور، یکی از مهم‌ترین و در عین حال بحث‌برانگیزترین تصمیمات مسعود پزشکیان باشد. مومنی، که از نزدیکان محمدباقر قالیباف و چهره‌ای با سابقه طولانی در نیروی انتظامی است، در ابتدا نگرانی‌هایی را در میان برخی اصلاح‌طلبان برانگیخت. اما به مرور زمان، روشن شد که این انتخاب بیش از هر چیز نشان‌دهنده‌ی تلاش پزشکیان برای برقراری تعادل میان جناح‌های مختلف و تعامل سازنده با ارکان قدرت است. در روایت‌های پشت‌پرده از چگونگی انتخاب مومنی، قائم‌مقام، معاون اجرایی رئیس‌جمهور، نقل می‌کند که پزشکیان با قاطعیت اعلام کرده: «مومنی، انتخاب خودم است و وزیر من است؛ او برای من کار خواهد کرد، نه برای شخص دیگری.» این تأکید، نشانگر اعتماد کامل رئیس‌جمهور به مومنی و نقش محوری او در اجرای برنامه‌های دولت است. پزشکیان همچنین بیان کرده که پس از بررسی همه‌جانبه، به این نتیجه رسیده که مومنی بهتر از گزینه‌های دیگر است و برخلاف شایعات، این انتخاب صرفاً برای تأمین منافع دولت و ملت بوده، نه برای خوشایند